

The Role of Fundamental Human Motivations in the Inclination Toward Childbearing from the Qur'anic Perspective

Mahdi Abedi Amir al-Mu'minin  / PhD Candidate in Qur'anic Sciences and Hadith, Imam Khomeini Educational and Research Institute

64mahdiabedi@gmail.com

Received: 2025/01/12 - **Accepted:** 2025/03/16

Abstract

The study of innate human tendencies and motivations is a central topic in anthropology. Fundamental human drives—namely the desire for survival, perfection, and pleasure—form the roots of various inclinations, including the inclination toward childbearing. Given the significance of procreation in Islam and the economic and educational challenges that hinder it, this research raises the question: What role do these core motivations play in the desire to have children? Are they stronger and more influential than the difficulties associated with child-rearing, such as financial and educational burdens? Using a descriptive-analytical method and a thematic exegesis approach, this study seeks to uncover the Qur'anic view on the role of fundamental human motivations in the inclination toward childbearing. The findings indicate that: The motivation of love for survival plays a role in initiating the desire for childbearing. The motivation of love for perfection serves both reinforcing and managerial functions. The motivation of love for pleasure contributes foundational and reinforcing roles in this inclination.

Keywords: Role, Childbearing, Inclination toward Childbearing, Fundamental Motivations.

نوع مقاله: پژوهشی

نقش انگیزه‌های اصلی انسان در گرایش به فرزندآوری از دیدگاه قرآن

مهدی عابدی امیرالمؤمنین  / دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی ✉ 64mahdiabedi@gmail.com

دریافت: ۱۴۰۳/۱۰/۲۳ - پذیرش: ۱۴۰۳/۱۲/۲۶

چکیده

بحث گرایش‌ها و انگیزه‌های فطری انسان از مباحث مهم انسان‌شناسی است. انگیزه‌های اصلی انسان، یعنی میل به بقا، کمال و لذت، ریشه انگیزه‌ها و گرایش‌های انسان مانند گرایش به فرزندآوری هستند. با توجه به اهمیت فرزندآوری در دین اسلام و مشکلات اقتصادی و تربیتی بر سر راه آن، این سؤال پیش می‌آید که انگیزه‌های اصلی انسان چه نقشی در فرزندآوری دارند؟ آیا آنها عوامل مؤثرتر و قوی‌تری هستند، یا مشکلات و سختی‌های داشتن فرزند مانند اقتصادی و تربیتی؟ ما در این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی و با رویکرد تفسیر موضوعی در پی کشف نظر قرآن درباره نقش انگیزه‌های اصلی انسان در گرایش به فرزندآوری هستیم. یافته‌های پژوهش نشانگر آن است که انگیزه حب به بقا، نقش ایجاد انگیزش، و انگیزه حب به کمال دو نقش تقویتی و مدیریتی، و انگیزه حب به لذت دو نقش زمینه‌ای و تقویتی در گرایش به فرزندآوری دارند.

کلیدواژه‌ها: نقش، فرزندآوری، گرایش به فرزندآوری، انگیزه‌های اصلی.

جمعیت یکی از مؤلفه‌های قدرت هر کشوری به‌شمار می‌رود. مسائل مختلف اجتماعی، اقتصادی، نظامی، علمی و سیاسی با بحث جمعیت پیوند دارند. امروزه مسئله جمعیت به‌خاطر اهمیت و نقش محوری در اجتماع و تأثیر آن در مسائل مختلف جامعه، در کانون توجهات دولتمردان و دانشمندان و سیاستمداران کشورهای جهان قرار دارد. در این میان نقش دانشمندان و محققان جامعه‌شناس و جمعیت‌شناسان بیش از دیگران است. معمولاً سیاستمداران و دولتمردان اهداف خود را با به‌کارگیری نتایج علمی و نظریات دانشمندان و محققان برجسته جامعه‌شناس و جمعیت‌شناس، محقق می‌کنند و از نظریات علمی آنها برای رسیدن به منافع خود استفاده می‌کنند. اگر مثلاً به‌خاطر جنگ و دفاع از خود در برابر دشمن نیاز به افزایش جمعیت داشته باشند، از نظرات جامعه‌شناسان و محققان طرفدار افزایش جمعیت سود می‌برند، و آنجا که نیاز به کاهش جمعیت باشد، از دانشمندانی چون مالتوس که معتقد به کاهش جمعیت است استفاده می‌کنند. دولتمردان و نظریه‌پردازان کشورهای قدرتمند و سلطه‌گر برای تسلط بر جوامع دیگر خصوصاً مسلمانان سعی می‌کنند آنان را در ابعاد مختلف علمی، فرهنگی و نظامی در ضعف نگه دارند، که بعد جمعیتی و نیروی انسانی یکی از بارزترین این ابعاد است. سیاست‌های دیکته‌شده‌ای که به مرور زمان باعث پیری جمعیت می‌شود، ضعیف شدن از لحاظ امنیتی، نظامی، اقتصادی و علمی را به دنبال دارد. بنابراین ما باید مواظب باشیم تا با تمسک به آموزه‌های اسلامی و دینی و هوشیاری ملی در دام دولت‌های نظام سلطه و قدرتمند گرفتار نشویم.

طبق آمار، رشد جمعیت ایران از حدود ۴ درصد در سال ۱۳۶۵ به ۱/۲ درصد در سال ۱۳۹۵ رسیده است (جمعیت از نویسندگان، ۱۴۰۱، ص ۳۹). البته در حال حاضر از این هم کمتر شده است که در صورت ادامه این سیر نزولی، وارد بحران جمعیت می‌شویم؛ بنابراین باید برای مشکل جمعیت تا دیر نشده چاره‌ای اندیشید. در این میان قرآن کریم به ابعاد مختلف جامعه از جمله بعد جمعیت و فرزندآوری توجه فراوانی کرده است. قرآن کریم علاوه بر جنبه‌های مختلف قانونی، اقتصادی و سیاسی، از نگاه فطری نیز به بحث جمعیت و فرزندآوری پرداخته است. در میان مباحث انسان‌شناسی بحث فطرت و گرایش‌ها و انگیزه‌های فطری انسان از جهت تأثیرگذاری بر رفتار فردی و اجتماعی انسان اهمیت ویژه‌ای دارند، و به دلیل تأثیری که در اختیار و رفتار انسان دارند، بسیار مورد توجه هستند. بعضی از این گرایش‌ها و انگیزه‌ها در انسان ریشه و منشأ دیگر گرایش‌ها و انگیزه‌های او هستند که به آنها، گرایش‌ها و انگیزه‌های اصلی انسان می‌گویند، که از دید علامه مصباح یزدی، دانشمند و مفسر برجسته قرآنی عبارت‌اند از: میل به بقا، میل به کمال و میل به لذت. این سه انگیزه، انگیزه‌های اصلی رفتار هستند که از حب نفس یا حب ذات انسان ناشی می‌شوند (مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۱). از طرفی با توجه به اهمیت جمعیت در تمدن اسلامی و پیشبرد اهداف اسلام و تعلق اراده الهی بر استمرار نسل انسان و اینکه یکی از گرایش‌ها و انگیزه‌های فطری انسان که از انگیزه‌های اصلی او نشئت می‌گیرد، میل به فرزند می‌باشد، حال این سؤال پیش می‌آید که انگیزه‌های اصلی انسان در میل به فرزندآوری چه نقشی دارند؟

مانع مهم بسیاری از افراد جامعه در مسئله فرزندآوری، هزینه‌های اقتصادی و سختی تربیت فرزند است. قرآن کریم هم در سورة اسراء آیه ۳۱ به این تفکر اشاره می‌کند و می‌فرماید: «وَلَا تَقْنَلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا». در این آیه خداوند کشتن فرزندان را از ترس فقر و نداری نهی می‌کند؛ بنابراین یکی از موانع گرایش برخی انسان‌ها به فرزندآوری ترس از تنگدستی و هزینه‌های اقتصادی و معیشتی آن است. در واقع امروزه برخی از افراد برای راحت‌طلبی و فرار از مسئولیت اجتماعی در رابطه با فرزند، ترس از فقر را بهانه خود قرار داده‌اند و توجه به عواقب عاطفی و اجتماعی و حتی سیاسی و فرهنگی آن نکردند. نگاه مادی‌گرایانه به فرزندآوری نسخه‌ای مضر و مشکل‌آفرینی است که برخی از اندیشمندان و سیاستمداران غربی برای جوامع هدف خود پیچیده‌اند. این نگاه مادی‌گرایانه از نظرات جمعیتی برخی از اندیشمندان غربی مانند مالتوس که نتیجه افزایش جمعیت را به وجود آمدن مشکلات اقتصادی و فقر می‌دانست، نشأت گرفته (جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۱، ص ۱۶۱) و موجب بی‌توجهی و غفلت از آثار مثبت فرزندآوری در زندگی دنیوی و کمال انسانی والدین شده است.

بررسی بحث فرزندآوری و جمعیت از نگاه فطرت انسانی، برای عموم افراد به خاطر مشترک بودن فطرت بین انسان‌ها قابل فهم‌تر می‌باشد. با توجه به این نکته، سؤالی که می‌توان مطرح کرد این است که گرایش‌ها و انگیزه‌های اصلی انسان که فطری هستند چگونه بر گرایش فطری انسان به فرزندآوری تأثیر گذارند؟ و بین انگیزه‌های اصلی فطری انسان و هزینه‌های اقتصادی و سختی تربیت، کدام نقش برتر را دارند؟ مشکلات اقتصادی و تربیتی فرزندآوری در بسیاری از افراد جامعه موجب تضعیف گرایش فطری انسان به فرزندآوری می‌شود. در واقع یک گره ذهنی در اینجا به وجود می‌آید که با توجه به دشواری تأمین هزینه‌های اقتصادی و معیشتی و سختی‌های تربیت فرزند، چگونه می‌توان به فرزندآوری اقدام کرد؟ بنابراین راه حل مشکلات مذکور، در جلوگیری از فرزنددار شدن است تا زندگی بهتری داشته و در آرامش بیشتری زندگی کنیم. این گره ذهنی را می‌توان با تبیین نقش گرایش‌های اصلی فطری انسان در گرایش فطری به فرزندآوری باز کرد و گرایش به فرزندآوری را تقویت کرد و در نتیجه با وجود مشکلات و سختی‌ها انسان به آن اقدام کند. نظر قرآن کریم به‌عنوان منبع وحیانی که به‌طور دقیق به شئون مختلف انسان پرداخته است، می‌تواند پاسخ صحیح و متقنی به پرسش تحقیق ما باشد.

ما در این پژوهش با روش تحلیلی - توصیفی در پی کشف نظر قرآن درباره نقش انگیزه‌های اصلی انسان در گرایش به فرزندآوری هستیم؛ یعنی تأثیر انگیزه‌هایی که در گرایش انسان به فرزندآوری بیشترین نقش را ایفا می‌کنند را به‌عنوان انگیزه‌های اصلی و فطری انسان، با توجه به آیات قرآن بررسی می‌کنیم. روش گردآوری ما در این تحقیق از نوع فیش برداری کتابخانه‌ای است. ما به مفهوم‌شناسی واژگان کلیدی و مهم می‌پردازیم و در سه محور به ترتیب به نقش میل به بقا، کمال و لذت در فرزندآوری می‌پردازیم.

پیشینه پژوهش

برای هر پژوهشی دو پیشینه وجود دارد: یکی خاص و دیگری عام. در جست‌وجوی پیشینه خاص اثری که مستقلاً

به مسئله ما پرداخته باشد، یافت نشد، اما برخی آثار به امیال و انگیزه‌های اصلی انسان که می‌توانند به‌عنوان مقدمات بحث ما مورد استفاده قرار گیرند، پرداخته‌اند؛ از جمله فیروزیان (۱۳۹۸) در کتاب *مقدمه‌ای بر روان‌شناسی از دیدگاه قرآن بر اساس آثار آیت‌الله مصباح یزدی*، به بررسی امیال اصلی نفس در قرآن، حب بقا، کمال‌خواهی، میل به لذت‌طلبی و سعادت‌خواهی، مفهوم‌شناسی لذت، ارتباط لذت با کمال، محبت و سعادت، عوامل انحراف میل به لذت، میل به مال و فرزند، پرداخته است. در این اثر فقط نقش انگیزه‌های اصلی انسان از دیدگاه آثار آیت‌الله مصباح یزدی تبیین شده، اما به نقش آنها در گرایش به فرزندآوری اشاره‌ای نشده است؛ بنابراین این اثر به مقدمات محورهای بحث ما مرتبط است؛ عباسی (۱۳۹۰) در پژوهش خود با عنوان «سبک لذت‌جویی بر اساس منابع اسلامی و رابطه آن با سلامت عمومی»، به مباحثی از جمله مفهوم‌شناسی لذت و تعریف آن، نقش انگیزشی لذت، نظریات موجود درباره لذت (فلسفه غرب - فلسفه اسلامی)، انواع لذت و لذت‌جویی در روان‌شناسی، سبک لذت‌جویی از نظر اسلام، توصیف و ارزشیابی لذت‌جویی در منابع اسلامی، پرداخته است. در این اثر هم نقش آنها در گرایش به فرزندآوری بحث نشده و مباحث آن مباحثی مقدماتی برای تحقیق ما هستند؛ و امینی‌خواه (۱۳۹۵) نیز در پژوهش خود با عنوان «طراحی الگوی انگیزشی با تأکید بر اندیشه آیت‌الله مصباح یزدی»، به مفهوم‌شناسی انگیزش و تفاوت آن با انگیزه، بیان نظریه‌های انگیزش، انگیزش در منابع اسلامی، الگوی انگیزش بر اساس اندیشه آیت‌الله مصباح یزدی (مبانی عام و خاص، ساختار نفس (هرم سه بعدی)، انواع انگیزه‌ها، مراتب و ارتباط و تراحم انگیزه‌ها)، مقایسه مبانی نظری روان‌شناسی و دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی، مقایسه الگوی انگیزش بر اساس دیدگاه آیت‌الله مصباح یزدی با الگوی روان‌شناسی، پرداخته شده است. در سه اثر مذکور نقش انگیزه‌های اصلی در گرایش به فرزندآوری بحث نشده و مباحث آن مباحثی مقدماتی برای تحقیق ما هستند. برخی آثار هم به مسئله فرزندآوری و جمعیت پرداخته‌اند؛ مانند علوی (۱۴۰۳)، مؤلف در کتاب *تغییر نگرش به فرزندآوری* به (مفهوم‌شناسی نگرش و نگرش به فرزندآوری و تغییر نگرش به فرزندآوری، سیر تبیین نگرش به فرزندآوری، نگرش به فرزندآوری در ادیان توحیدی، عوامل مؤثر بر نگرش به فرزندآوری، آثار و فواید فرزندآوری (فردی، خانوادگی)، مؤلفه‌های نگرش به فرزندآوری بر اساس منابع اسلامی (بینشی و انگیزشی (انگیزه بقا، کمال و لذت)) می‌پردازد. فصل آخر این اثر نزدیک‌ترین بحث به تحقیق ماست؛ چون لازمه بحث ما به تغییر نگرش می‌انجامد، اما علاوه بر اینکه به نقش‌های انگیزه‌های اصلی در گرایش به فرزندآوری نپرداخته و فقط به عنوان مؤلفه‌های نگرش به فرزندآوری آن هم به اجمال بحث کرده است، و از دیدگاه قرآن و با رویکرد تفسیری نیز نیست؛ بنابراین آثار مذکور هر کدام به بخشی از مسئله ما پرداخته‌اند که مقدمات آن می‌باشد.

مفهوم‌شناسی

۱. میل و گرایش: واژه میل اصالتاً عربی است و به معنای رغبت، خواست، علاقه و... آمده است. با توجه به مبنای وضع الفاظ برای معانی حسی، میل در ابتدا برای هر چیزی که کج بوده استعمال می‌شده (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵،

ص ۲۹۰)، سپس برای هر نوع خروج از حد وسط به کار رفته است. این مطلب از کلام راغب اصفهانی فهمیده می‌شود، او ذیل ماده میل می‌گوید: «المَيْلُ: العدول عن الوسط إلى أحد الجانبين، ويُسْتَعْمَلُ في الجَوْرِ، وإذا استُعْمِلَ في الأجسام فإنه يقال فيما كان خِلْقَةً مَيْلٌ، وفيما كان عَرَضاً مَيْلٌ، يقال: مِلْتُ إلى فلان: إذا عَاوَتْهُ» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱، ص ۷۸۳). ظاهر کلام او این است که اول معنای اصلی و حسی را بیان می‌کند و سپس با عبارت «وَيُسْتَعْمَلُ» که اشعار به معنای غیراصولی دارد، کاربردهای دیگر آن را بیان می‌کند.

میل شرط تکوینی اختیار انسان و از مقومات آن است، تا آنجاکه کار اختیاری و ارادی بدون میل، تحقق نمی‌پذیرد، و اصولاً اراده تبلور امیال است. در اصطلاح انسان‌شناسی می‌توان گفت که میل، کششی فطری به امری در وجود انسان است که در شرایط ویژه‌ای شکل می‌گیرد و تشخص و تعیین می‌یابد و به تحقق اراده در نفس منتهی می‌شود (مصباح یزدی، ۱۳۹۲، ص ۴۱۲). واژه میل و گرایش به یک معنا به کار می‌روند. منظور ما از میل و گرایش همان معنای اصطلاحی آن است؛ یعنی یک نوع کشش درونی است که سبب تحقق اراده در نفس می‌شود.

۲. انگیزه: در لغت واژه فارسی است و به معنای سبب، باعث، علت، آنچه که کسی را به کاری برانگیزاند، به کار می‌رود (عمید، ۱۳۶۰، ج ۱، ص ۳۹۴؛ معین، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۲۵۸). در اصطلاح روان‌شناسی انگیزه قوه و نیرویی درونی است که فرد را به حرکت درمی‌آورد و سبب یا علت فعل اوست (گنجی، ۱۳۹۲، ص ۱۸۲). مقصود ما در این تحقیق که به معنای اصطلاحی آن نزدیک‌تر است، قوه و نیرویی درونی است که انسان را به رفتاری خاص وامی‌دارد؛ بنابراین میل و انگیزه قریب‌المعنی هستند که با تسامح به یک معنا به کار می‌روند، ما نیز در تحقیق حاضر به یک معنا به کار برده‌ایم.

۳. انگیزش: در لغت واژه فارسی است و به معنای تحریک، ترغیب، تحریض، به جنبش درآوردن، وادار کردن، جنباندن، به کار رفته است (معین، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۹۳). در اصطلاح روان‌شناسی انگیزش فرایندی است که به رفتار انرژی و جهت می‌دهد (ریو، ۱۳۷۹، ص ۴۲). منظور ما از انگیزش حالتی است که به رفتارهای انسان جهت می‌دهد و او را به حرکت وامی‌دارد.

۱. نقش میل به بقا در فرزندآوری

بقا در لغت به معنای دوام (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۲۷۶)، ثابت، ثبات بر حال طبیعی و اولیه (ضد فنا) آمده است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۲۳۰). معنای اصطلاحی و لغوی آن یکی است. مقصود ما هم همین معنی لغوی آن است، یعنی دوام و جاودانگی که در مقابل فنا و نیستی است.

یکی از غرایز اصیل انسان، حب بقا و جاودانگی است که خداوند از طریق آفرینش و فطرت در او به ودیعت نهاده است، و حکم نیروی محرک فزاینده‌ای را دارد که او را به سوی ابدیت سوق می‌دهد و همواره بر شتاب حرکتش می‌افزاید. این میل لازمه طبیعی حب ذات به‌عنوان یکی از ابعاد اصلی هرم سه‌بعدی نفس انسان است. (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۱۱۳).

قرآن نیز وجود این میل فطری را در انسان تأیید می‌کند؛ در آیه ۱۲۰ سوره طه می‌فرماید: «فَوَسَّوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَى شَجَرَةِ الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبُلَى». در این آیه شیطان از طریق میل حضرت آدم ﷺ به بقا و جاودانگی برای فریب او استفاده می‌کند؛ بنابراین میل به بقا در وجود آدم ﷺ بوده و شیطان این را می‌دانست، در غیر این صورت وسوسه آدم ﷺ از این طریق فاقد عامل انگیزشی بوده و وجهی نداشت.

قرآن از انگیزه حب به بقا در انسان در تربیت او و برای رسیدن به تکامل و سعادتش بهره می‌گیرد. آیاتی که در آنها بین دنیا و آخرت مقایسه شده و آخرت یا زندگی آخرتی را با وصف «بقی» ذکر می‌کند؛ مانند آیات «وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى» (اعلی: ۱۷) و «وَمَا أُوتِيتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَبِّتُهَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَى أَفَلَا تَعْقِلُونَ» (قصص: ۶۰)، دلالت بر استفاده قرآن از این میل در مسیر تربیت و کمال انسان دارد؛ زیرا بقای آخرت و زندگی آخرتی در صورتی برای انسان ایجاد انگیزه می‌کند که در خود گرایشی نسبت به آن داشته باشد، و این همان مطلوبیت فطری بقا برای انسان است. یکی از مصادیق مهمی که انسان بقای خود را در امتداد آن می‌بیند، فرزند داشتن و بقای نسلش می‌باشد. با توجه به اینکه میل به بقا از امیال اصیل فطری است که بسیاری از امیال از جمله میل به فرزند داشتن از آن سرچشمه می‌گیرد، ما در این قسمت درصدد بررسی نقشی که میل به بقا در گرایش انسان به فرزندآوری دارد، هستیم.

۱-۱. نقش انگیزشی

در وجود انسان یک میل اصیل و مستقل فطری به داشتن فرزند وجود دارد؛ زیرا انسان فرزند را دنباله وجود خود تلقی می‌کند؛ یعنی او وقتی توجه می‌کند که زندگی‌اش ابدی نیست و سرانجام می‌میرد، وجود فرزند را در واقع، مرتبه ضعیف‌تری از وجود خود تلقی می‌کند و بقای فرزند را پس از مرگ خود، بقای خویش می‌شمارد و این فکر مایه آرامش او خواهد شد. سنت فرزندخواندگی که در طول تاریخ در بسیاری از جوامع جریان داشته خود شاهی آشکار بر گرایش فطری انسان به فرزند داشتن است (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۲۷۳).

همان‌گونه که قبلاً هم اشاره شد، حب به بقا از حب نفس ناشی می‌شود؛ یعنی انسان تمام آنچه مربوط به نفسش می‌شود را دوست دارد. بنابراین انسان اولاً بقای خود را و در مرحله بعد بقای متعلقات خود را به خاطر حب به نفسش دوست دارد که یکی از آنها فرزند است و از آثار وجودی او محسوب می‌شود، و می‌توان درخواست فرزند از جانب انبیا ﷺ آن هم در سن پیری (ابراهیم: ۳۹) بعد از عمری زندگی بدون فرزند، همان طلب بقای وجودی خود از طریق فرزند و پاسخ مثبت به ندای فطری میل به بقا دانست، که با آنکه از لحاظ عادی دیگر در سن فرزندآوری نبودند، ولی از خدا درخواست فرزند کردند و این می‌تواند دلیل قابل قبول برای درخواست فرزند در سن پیری دانست؛ یعنی حب به بقا در قالب فرزندآوری را از خداوند خواسته است. بنابراین گرایش انسان به بقا، عامل ایجاد انگیزش برای میل انسان به فرزندآوری است؛ یعنی هم او را به سمت فرزندآوری سوق می‌دهد و هم اراده او را در این راه محکم می‌کند و او را برمی‌انگیزاند که با توجه به تمام سختی‌های فرزندآوری به سمتش حرکت کرده و در راه فرزنددار شدن اقدام کند. نکته‌ای

که در اینجا می‌شود استفاده کرد این است که انبیاء به‌عنوان الگوهای شایسته برای جامعه انسانی، فرزند را امتداد وجود خود می‌دانند و این نگرش مثبت را به ما منتقل می‌کنند و انسان‌ها خصوصاً مؤمنین باید این رفتار و آموزه را از پیامبران الهی بیاموزند و بدان عمل کنند و دچار وسوسه خناسانی که به دنبال ضعف مؤمنین و ضربه زدن به آنها هستند، نشوند و فرزندآوری را یک وظیفه دینی برای پیشرفت و تعالی جامعه اسلامی بدانند و ندای فطرت خود را بی‌پاسخ نگذارند.

اگر فطرت انسان را عاملی خارجی مانع نشود، انسان به‌طور فطری گرایش به داشتن فرزند و تولید نسل دارد. بنابراین کسانی که فطرتشان متأثر از موانع خارجی شده و نسبت به فرزند گرایشی از خود نشان نمی‌دهند، با دیدن فرزندان دیگران به آنها اظهار محبت می‌کنند و میل فطری خود را در مرحله ضعیف‌تری اظهار می‌کنند و سعی در ارضای آن دارند و حتی با این هم آرام نمی‌شوند و به‌جای فرزند با حیواناتی مأنوس می‌شوند و آنها را مانند فرزندان خود صدا می‌کنند. این رفتارهای والدینی که خود را از نعمت داشتن فرزند محروم کرده‌اند، نشان از میل فطری انسان‌ها به فرزند و ادامه نسل از وجود خود می‌باشد. اگر انسان متنبه شود و فطرتش با الهامات عقلی و آموزه‌های وحیانی قرآنی بیدار شود، نور هدایت فطری الهی او را به طرف فرزندآوری می‌کشاند و میل به بقا این گرایش را تشدید می‌کند و انگیزشی در او ایجاد می‌کند که با تمام سختی‌های متصور برای فرزندآوری، به آن اقدام می‌کند و خود را از آثار روانی و اجتماعی انقطاع نسل رهایی می‌بخشد و کانون خانواده را با فرزند و رابطه عاطفی با او گرم و با صفا و تکمیل می‌کند.

۲. نقش میل به کمال در فرزندآوری

کمال در لغت از ریشه «کمل» گرفته شده و به معنای تمام بودن چیزی (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۵، ص ۳۷۸)، حصول غرض از هر چیزی (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۲۶)، مرتب‌بای بعد از تمام اجزا (مصطفوی، ۱۴۳۰ق، ج ۱۰، ص ۱۲۵) آمده است که معنای اصطلاحی با دو معنای اخیر تناسب دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۲۴). کمال در اصطلاح شامل: ۱. انسان‌شناسی: کمال انسان عینیت یافتن و ظهور تام استعدادهای نوع انسان است (رجبی، ۱۳۸۰، ص ۲۳۳)؛ ۲. فلسفه: کمال انسان در ترقی عقلانی است (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۵۶). مقصود ما از کمال معنای اصطلاحی در انسان‌شناسی است، یعنی انسان به فعلیت تمام استعدادهای وجودی خود برسد. بنابراین حب به کمال در انسان به معنای این است که انسان دوست دارد که تمام استعدادهایش به شکوفایی و به فعلیت برسد.

دومین غریزه اصلی که از حب به نفس سرچشمه می‌گیرد، «حب کمال» است؛ یعنی صرف‌نظر از اینکه انسان می‌خواهد باقی بماند و عمر طولانی داشته باشد، در این جریان بقا دوست دارد که روزه‌روز کامل‌تر شود و مسیر حرکتش مسیر تکاملی باشد. کمال‌خواهی انسان در مجرای دو میل نیرومند قدرت‌طلبی و حقیقت‌جویی ظهور و شکوفا می‌شود. بنابراین در کمال‌خواهی، انسان به دنبال نوعی افزایش کمی یا کیفی و یا شکوفایی است و به دنبال آن است که چیزهایی را به‌دست آورد و بهره وجودی‌اش بیشتر شود (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ج ۲، ص ۴۲).

بر همین مبناست که انسان درصدد فعال کردن و استفاده از تمام ظرفیت‌های وجودی خویش برمی‌آید، و انبیای الهی که رهبران و الگوهای انسان‌ها هستند نیز، با علم به این استعدادها و ظرفیت‌ها سعی در استفاده از آنها و نمایاندن

آنها به دیگران می‌کنند. می‌توان گفت درخواست فرزند صالح از خداوند توسط برخی از انبیا آن هم انبیای اولوالعزم مانند حضرت ابراهیم علیه السلام که فرمود: «رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ» (صافات: ۱۰۰)، آن هم در سن پیری که فرمود: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ» (ابراهیم: ۳۹)، نشانه میل فطری و انسانی انسان به فرزند داشتن است. اما مطلب مهم‌تر اینکه این بزرگان و رهبران الهی از خداوند فرزند صالح و نسل پاکیزه می‌خواهند: «رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ» (صافات: ۱۰۰). علت این درخواست می‌تواند ما را به برخی حقایق رهنمون کند که در فرزندآوری و فرزندپروری بسیار تأثیرگذار باشد.

علاوه بر آن نصیحت فرزندان و دعای برای صالح بودن آنان و شکر برای بهره‌مندی از وجود فرزندان نیز، نمی‌تواند بدون علت باشد. بنابراین باید در پی کشف پاسخ این دو مطلب بود که قطعاً با میل به کمال انسان ارتباط دارند. با بررسی آیات متعدد می‌توان نقش‌های ذیل را برای انگیزه و گرایش انسان به کمال در فرزندآوری بیان کرد.

۲-۱. نقش تقویتی

یکی از نقش‌های انگیزه حب به کمال انسان، نقش تقویتی آن است؛ یعنی این گرایش حب به کمال موجب تشدید و تقویت انگیزه فطری فرزندآوری انسان می‌شود. انسان چون کمال خود را دوست دارد می‌کوشد تا به بالاترین درجه از کمال برسد؛ بنابراین از تمام امکانات و توان وجودی خود در این راستا بهره می‌برد. او می‌کوشد در ابتدا مستقیم و با اعمال خود به کمال وجودی خود بیافزاید و در ادامه از آثار وجودی خود مانند جایگاه اجتماعی و از طریق فرزندان و نسل خود، دامنه کمالات وجودی خود را گسترش دهد. در واقع کمال‌خواهی انسان در مجرای دو میل نیرومند قدرت‌طلبی و حقیقت‌جویی ظهور می‌کند، که در اینجا مجرای قدرت‌طلبی انسان و یافتن منزلت اجتماعی می‌تواند عاملی برای تشویق و تشدید انگیزه انسان برای فرزندآوری و فرزنددار شدن باشد.

با تأملی در آیات درمی‌یابیم که عامل قدرت‌طلبی یکی از انگیزه‌های اصلی برای گرایش انسان به فرزندآوری در طول تاریخ بشریت بوده است؛ حال این قدرت گاهی در مسیر باطل و اشتباه و گاهی هم در مسیر حق و صحیح قرار می‌گرفت. برخی از آیات کثرت فرزندان را عامل قدرت می‌دانند؛ مانند آیه ۶ سورة اسراء: «ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكُرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا». در این آیه فعل از مصدر امداد به کار رفته که در معنای آن کثرت آمده است (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۸۹). بنابراین تسلط دوباره بنی‌اسرائیل با امداد به مال و فرزند، یعنی نصرت با کثرت مال و فرزند محقق می‌شود؛ همان‌طور که در آخر آیه می‌فرماید: «وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا»، یعنی نفرات شما را بیشتر از دشمن قرار می‌دهیم؛ بنابراین در این آیه، یکی از عوامل قدرت و پیروزی بر دشمنان کثرت فرزندان و زیادی جمعیت است. علاوه بر آن آیه در مقام امتنان است که از آن فهمیده می‌شود که کثرت جمعیت به‌عنوان یک نعمت مطلوب برای انسان و اجتماع است.

همچنین آیات: «... أَنَا أَكْثَرُ مِنْكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا وَلَوْ لَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتُ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِنَّ تَرَنَّا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا» (کهف: ۳۴ و ۳۹). در آیه اول شخص کافر گفت: من از تو مال بیشتری دارم، و عزتم از نظر

نفرات یعنی اولاد و خدم از عزت تو بیشتر است. آیه دیگر جواب فرد مؤمن است که توجه به قدرت الهی باید داشته باشی و عزت و قدرت خود را از خدا بدانی. اینکه بحث قدرت الهی را مطرح کرد، نشانگر این است که کثرت جمعیت که از راه اولاد و فرزندان محقق می‌شود، قدرت‌آفرین است و باعث عزت انسان در اجتماع می‌شود. در سوره نمل آیه ۳۳ از قول درباریان نقل می‌کند که به ملکه خود بلیس گفتند که ما دارای نیروی کافی و قدرت جنگی هستیم: «قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةً وَأَوْلُوا بِأَسِيِّدٍ شَدِيدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانْظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ»، و حاضریم با هر دشمنی مبارزه کنیم. در این آیه نیز اشاره شده که کثرت افراد و نیروی انسانی باعث قدرت نظامی می‌شود. در آیه ۹۵ سوره کهف: «قَالَ مَا مَكْنِيَ فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجَلُ بَيْنِكُمْ وَّبَيْنَهُمْ رَدْمًا»، عبارت «فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ» به قدرت جمعیت انسانی اشاره دارد (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۳۶۴). بنابراین از آیات مذکور برداشت می‌شود که کثرت جمعیت قدرت می‌آورد، و انسان برای رسیدن به قدرت که شاخه‌ای از انگیزه حب به کمال است، از راه تولید نسل و افزایش فرزندان و نسل خود بهره می‌برد و این باعث می‌شود که در راه رسیدن به کمال و قدرت انسانی از طریق فرزندآوری و استمرار نسل خود، نه تنها سست نشود، بلکه تمام مشکلات و سختی‌های آن را تحمل کند.

۲-۲. نقش مدیریتی

انسان با توجه به شناختی که از طریق عقل و آموزه‌های دینی و وحیانی به‌دست می‌آورد، می‌فهمد که راه رسیدن به کمال از طریق ایمان و انجام عمل صالح محقق می‌شود؛ بنابراین علاوه بر اینکه فطرتاً به دنبال کمال است، کمال خود را در مسیری می‌بیند که خداوند متعال برای او ترسیم کرده است. با توجه به روایاتی مانند «قَالَ النَّبِيُّ ﷺ إِذَا مَاتَ الْمُؤْمِنُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۲)، کمال انسان می‌تواند از راه‌های گوناگون حاصل شود: از طریق اعمال مستقیم انسان و یا از طریق آثار وجودی او از جمله صدقه جاری یا علمی که منفعت آن به دیگران برسد، یا فرزند صالحی که برای والدین خود دعا و استغفار کند و با اعمال صالح خود باعث کمال والدین خود بعد از مرگ شود. در روایت مذکور پیامبر ﷺ می‌فرماید: «عمل انسان بعد از مرگ قطع می‌شود، مگر سه عمل»، یعنی دعای فرزند صالح را برای مؤمن، عمل خود او محسوب کرده است. پس انسان مؤمن از طریق ازدواج شرعی و در نتیجه آن تربیت فرزند صالح برای تحقق میل به کمال خود اقدام می‌کند. به عبارت دیگر، میل به کمال باعث می‌شود که انسان گرایش فطری به فرزندآوری خود را از راه صحیح شکوفا کند تا با تولد فرزند صالح در جهت کمال خود قدم بردارد، و این نقش مدیریتی میل به کمال برای میل به فرزندآوری است. خداوند در سوره اسراء آیه ۲۴ می‌فرماید: «وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا»، که اشاره دارد به اثر دعای فرزند نسبت به والدین خود و در این آیه خداوند امر می‌کند که فرزند برای آنها دعا کند و از خداوند بخواهد که در زندگی و بعد از مرگ، آموزش و رحمت خود را نصیب آنها گرداند؛ زیرا آنها در کودکی تو را تربیت کرده‌اند. از این آیه استفاده می‌شود که دعای فرزند برای پدر و مادری که از دنیا رفته‌اند، مورد قبول خداوند است، و گر نه امر به دعا برای

آنها توسط فرزند بیهوده و لغو می‌شود؛ بنابراین وجود فرزند مؤمن و دعا و استغفار او و انجام اعمال صالح برای پدر و مادر موجب غفران آنها و جلب رحمت الهی برای آنها و در نهایت کمال برزخی آنها می‌شود.

علامه طباطبائی در تفسیر آیه ۲۲۳ سوره بقره: «يَسْأَلُكُمْ خَرْتُ لَكُمْ فَاتُوا خَرْتُكُمْ أَلَيْ شَيْئُمْ وَقَدَّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ وَأَتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلاقوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» می‌فرماید:

معنای آیه این است که نسبت زنان به جامعه انسانی نسبت کشتزار به انسان زارع است. اگر زنان نباشند نوع انسانی دوام نمی‌یابد و نسلش قطع می‌شود، خداوند به صورت انسان درآمدن ماده را تنها در رحم مادران قرار داده، و طبیعت مردان را طوری قرار داده است که متمایل به زنان باشد و مقداری از آن ماده اصلی در خود مردان قرار داده، و میان آنها مؤدت و رحمت قرار داده و چون چنین بوده قطعاً غرض از پدید آوردن این جذبه و کشش، پدید آوردن وسیله‌ای بوده برای بقای نوع. مراد از اینکه فرمود: «قَدَّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ»، واداشتن انسان‌ها به ازدواج و تناسل است تا نوع بشر در زمین باقی بماند، و غرض خداوند از بقای نوع بشر در زمین، بقای دین او و ظهور توحید و پرستش اوست؛ همچنان که فرمود: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ». بنابراین مراد از جمله «قَدَّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ» هرچند مسئله توالد و تقدیم داشتن افرادی جدید به بشریت و جامعه است، اما این مطلوبیت فی‌نفسه نیست و غرض به خود توالد تعلق نگرفته، بلکه به پدید آمدن نسلی صالحی در زمین که ذکر خدای سبحان در زمین باقی بماند، و افرادی دارای اعمال صالح پدید آیند تا خیرات و ثواب اعمالشان هم عاید خودشان شود و هم عاید پدرانی که باعث پدید آمدن آنان شدند؛ همچنان که فرمود: «وَتَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ»؛ بنابراین مراد از تقدیم برای خود از پیش فرستادن اعمال صالح برای روز قیامت است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۲۱۳-۲۱۴).

با توجه به بیانات علامه طباطبائی، این عبارت آیه «وَقَدَّمُوا لَأَنْفُسِكُمْ وَأَتَّقُوا اللَّهَ» دلالت دارد بر اینکه فرزندآوری و استمرار نسل انسان باید در جهت کمال او باشد، هم از راه صحیح (ازدواج شرعی توسط زن و مرد) و هم تربیت صحیح (صالح بودن)، و اینکه خداوند از طریق تشویق به آخرت و سعادت اخروی انگیزه حب به کمال او را تحریک می‌کند و همین گرایش به کمال است که انسان را به فرزندآوری و تربیت الهی او وامی‌دارد تا از طریق فرزندان و ذریه خود به اجر و کمال بیشتر برسد، و این همان نقش مدیریتی حب به کمال نسبت به گرایش به فرزندآوری و داشتن فرزند است؛ یعنی میل به کمال باعث می‌شود که انسان گرایش فطری به فرزندآوری خود را از راه صحیح دینی و شرعی دنبال کند تا با تولد و تربیت فرزند صالح در جهت کمال خود قدم بردارد، و برای محقق شدن این هدف حاضر است سختی‌های تربیتی و معیشتی آن را تحمل کند، و این نقش هدایت میل به فرزندآوری به طریق صحیح فرزنددار شدن و سپس تربیت انسان صالح برای تحقق کمال انسان است.

۳. نقش میل به لذت در فرزندآوری

لذت در فارسی به معنای گوارایی، خوشی و ادراک آمده است (عمید، ۱۳۶۰، ج ۲، ص ۱۷۱۶؛ معین، ۱۳۷۱، ج ۳، ص ۳۵۷۷). در کتب لغت عربی نیز به معنای طعم خوب چیزی (ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۵، ص ۲۰۴)، ملایمت و سازگاری بین چیزی و طبع انسان (مصطفوی، ۱۴۳۰، ج ۱۰، ص ۲۰۴) و نقیض درد آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۵۰۶). در اصطلاح فلسفی و انسان‌شناسی به معنای درک و نیل به ملائمت با طبع انسان به کار رفته است که با معنای سوم از معنای

لغوی آن در فارسی و عربی که بیان شد، تناسب دارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۱، ص ۸۷). بنابراین مقصود ما از لذت در این مقاله آن چیزی است که خوشایند انسان و سازگار با طبع وی باشد و آن را مطلوب خود ببیند.

سومین غریزه اصلی ناشی از حب به نفس، «لذت‌جویی و سعادت‌طلبی» است. انسان در کنار بقا و کمال، لذت را هم دوست دارد و می‌خواهد همیشه شاد باشد و به خوشی زندگی خود را بگذراند (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۴۲). لذت‌جویی و سعادت‌خواهی را می‌توان به‌طور کلی به سه بخش تقسیم کرد: ۱. بخش مربوط به بدن مثل غریزه تغذیه و غریزه جنسی؛ ۲. بخش مربوط به روح و روان مثل عواطف، احساسات و انفعالات؛ ۳. بخش مشترک بین روح و بدن مثل زیبایی‌دوستی مادی و معنوی (ر.ک: مصباح یزدی، ۱۳۸۴، ص ۱۹۶). نوع اول از لذت‌طلبی که در رابطه با بدن است، مربوط به نقش زمینه‌ای و نوع دوم که در رابطه با روح است، مربوط به نقش تقویتی انگیزه حب به لذت در فرزندآوری است.

۱-۳. نقش زمینه‌ای

دسته‌ای از آیات مانند: «فَاتَوْهُمْ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ» (اعراف: ۱۸۹) و «نِسَاؤُكُمْ خَرْثُ لَكُمْ فَأْتُوا خَرْثَكُمْ أُنْثَىٰ شَيْئٌ وَقَدْ مَوَّاهُ لَأَنْفُسِكُمْ» (بقره: ۲۲۲ و ۲۲۳)، به بحث نزدیکی با همسر به نیت فرزندآوری اشاره شده است که از طریق ارضای میل جنسی و لذتی که انسان از آن می‌برد، اشاره می‌کند؛ یعنی خداوند حکیمانه لوازم جسمی (ابزار جنسی) و روحی‌ای (گرایش فطری به لذت جنسی) که موجب ارضای لذت‌طلبی جنسی انسان شود را در آفرینش او لحاظ کرد تا از طریق آن به سمت فرزندآوری و استمرار نسل خود پیش برود؛ مانند آیه «أَجَلٌ لَّكُمْ لَيْلَةُ الصَّيَّامِ الرَّفَثُ إِلَىٰ نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ...» (بقره: ۱۸۷). این آیه در مورد جواز نزدیکی کردن در شب روزه‌داری است که افراد مخاطب آیه به‌طور مستمر و پنهانی در زمان حرام بودن و قبل از جواز، آن را انجام می‌دادند. در ادامه آیه در بین مباحث دیگر، مطلب بسیار مهمی مطرح می‌شود که یکی از معارف و حقایق قرآنی ظریف و قابل توجه است که در اینجا به آن می‌پردازیم. علامه طباطبائی و بسیاری از مفسران از جمله فخر رازی (ر.ک: فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۵، ص ۲۷۲)، آلوسی (ر.ک:

آلوسی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۴۶۲) و ابن عاشور (ر.ک: ابن عاشور، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۱۸۰) در تفسیر این آیه، منظور از عبارت «فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ» را جواز نزدیکی با زنان در شب روزه‌داری دانسته، و منظور از جمله «وَابْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ»؛ یعنی طلب کردن آنچه خدا نوشته است را طلب فرزند می‌دانند که خدای سبحان آن را نوشته و مقرر کرده که نوع انسانی این کار را از راه جماع انجام دهد، و نوع انسان را با تجهیز شهوت و اشتیاق به مباشرت به‌صورت فطری بر این عمل هدایت کرده است، و به این وسیله انسان را به نزدیکی با همسر خود سوق داده است (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۲، ص ۴۷). یعنی در این جمله امر شده به نزدیکی به قصد فرزندآوری، و می‌توان گفت که جهت مقابل آن یعنی نزدیکی به قصد ارضای نیاز جنسی بدون توجه به فرزندآوری نهی شده است؛ چراکه «ما کتب الله» نیست (ر.ک: فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۲۲۴). بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که میل فطری به لذت در انسان او را

وادر به ارضای آن می‌کند، و انسان فطرتاً برای ارضای میل جنسی و لذت بردن از آن به‌طرف جنس زن کشیده می‌شود که در این بین میل به فرزندآوری با زمینه‌سازی میل جنسی مورد توجه انسان قرار می‌گیرد و با یک عمل دو میل را ارضا می‌کند، و این برنامه حکیمانه الهی برای ادامه نسل انسان است. بنابراین قرآن حب به لذت که خداوند فطرتاً در وجود انسان قرار داده را زمینه‌ای برای فرزندآوری می‌داند، و این یکی از نقش‌های انگیزه لذت‌طلبی انسان است که خود مجرای بسیاری از گرایش‌ها و افعال انسان که یکی از آنها گرایش به فرزند است، می‌باشد.

۳-۲. نقش تقویت

انسان به‌طور فطری طالب پایدارترین و بهترین لذت‌هاست و حاضر است از لذت‌های آنی و زودگذر برای رسیدن به لذت‌های اصیل و بادوام عبور کند و حتی سختی‌ها را تحمل کند. انگیزه لذت‌طلبی فطری انسان موجب تقویت گرایش فطری او به فرزندآوری می‌شود؛ چون انسان‌ها اگر از فطرت سالم و منحرف‌نشده برخوردار باشند، همگی بدون استثنا طالب فرزند بوده و بقای فرزند را بقای خود می‌دانند، و از طرفی چون انسان خود و آثار وجودی خود را دوست دارد، از فرزند که مصداق بارز امتداد وجود اوست، لذت می‌برد. علاوه بر آن رسیدن به کمال برای انسان لذت دارد، یعنی انسان از کمال خود نیز لذت می‌برد؛ بنابراین هرچه فرزندش دارای کمالات بیشتری باشد، لذت بردن از او به همان مقدار بیشتر می‌شود، و در راه داشتن چنین فرزندى حاضر است بسیاری از سختی‌ها را تحمل و چشم به روی لذت‌های کم اهمیت ببندد.

تعدادی از آیات به این مطلب اشاره دارند و در آنها انسان از فرزند نور چشم بودن را امید دارد. در آیه ۷۴ سوره فرقان: «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا»، بندگان صالح و خاص خداوند از خداوند خواسته‌اند که: «همسران و ذریه ما را نور چشم ما قرار بده». در سوره قصص آیه ۹: «وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتُ عَيْنٍ لِي وَلَكَ لَا تَقْتُلُوهُ عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ»، همسر فرعون که فرزندى نداشت با دیدن حضرت موسی علیه السلام امید نفع‌رسانی و نور چشم بودن برای خود و فرعون را دارد. در ادبیات عرب به کسی که مایه مسرت آدمی است، نور چشم و قرة عین گفته می‌شود (ر.ک: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۷۹۰). جوهری می‌گوید: «أَقَرَّ اللَّهُ عَيْنَهُ؛ یعنی خداوند به او عطا کند که به بالاتر از آن یا به غیر او نگاه نکند و خیره نشود» (ر.ک: جوهری، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۷۹۰)، یعنی به آن راضی شود و انتظارش از آن برآورده شود. بنابراین عبارت «قُرَّةَ أَعْيُنٍ» و «قُرَّتْ عَيْنُ لِي وَلَكَ» دلالت دارد بر اینکه انسان از فرزند لذت می‌برد، البته با توجه به آیات قرآن و کاربرد این عبارت در ادبیات عرب، فرزندى باعث مسرت و شادی انسان می‌شود که دارای کمالاتی باشد که انسان از آنها لذت ببرد و این لذت باعث مسرت و شادی او می‌شود. در آیاتی که خداوند خبر عطای فرزند را به حضرت ابراهیم علیه السلام و حضرت زکریا علیه السلام و حضرت مریم علیه السلام داده است، از لفظ «بَشَرًا» و «بَشْرًا» و مشتقات آن استفاده شده است: «وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ» «فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ» (هود: ۷۱)؛ یعنی فرزند عامل شادی است و داشتن آن مایه بشارت است

و انسان از وجود آن لذت می‌برد. در ادامه این خبر خوش و مسرت‌بخش، ویژگی‌هایی مانند بردبار بودن: «فَبَشِّرْهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ» (صافات: ۱۰۱)، پیامبر و از صالحین بودن: «وَبَشِّرْهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ» (صافات: ۱۱۲)، سیادت و آقایی و منزلت اجتماعی داشتن: «فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِكَلِمَةٍ مِنْ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ» (آل عمران: ۳۹) و از مقررین درگاه الهی بودن: «إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَا مَرْيَمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ» (آل عمران: ۴۵)، «حَلِيمٍ، نَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ، وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ، وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ»، آمده است که دلالت بر این مطلب می‌کند که فرزند دارای ویژگی‌های خوب و کمالات انسانی، نور چشم انسان می‌باشد و انسان از دیدن او و داشتنش لذت فراوانی می‌برد.

علامه طباطبائی در *المیزان* در تفسیر آیه ۷۴ سوره فرقان «وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا» می‌فرماید: «بندگان خاص خداوند از این درخواست که همسران و ذریه‌هایشان قره عین ایشان باشد، موفقیت در طاعت خدا و اجتناب از معصیت او را اراده کرده‌اند که در نتیجه از عمل صالح آنان، چشم ایشان روشن گردد» (ر.ک: طباطبائی، ۱۳۹۰ق، ج ۱۵، ص ۲۴۵).

از این جهت است که انسان‌های مؤمن و شایسته پس از خبر وعده الهی به فرزنددار شدن، از خدا تشکر کرده و حمد الهی را به‌جا آوردند. نمونه بارز آنها حضرت ابراهیم علیه السلام که خدا را حمد کرد: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ» (ابراهیم: ۳۹)، و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله که به خاطر وجود مبارک حضرت زهرا علیها السلام به نماز خواندن و قربانی کردن امر شدند: «فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَنْخِرْ» (کوثر: ۲) هستند. مؤمنین و شایستگان درگاه الهی از وجود فرزند صالح که مایه آبروی خود و دین الهی هستند، شاد شده و لذت بسیار می‌برند.

در واقع چنین فرزندى عمل آنهاست که به واسطه صالح بودن او به قرب الهی رسیده و لذت بیشتری می‌برد. بنابراین نقش دیگر انگیزه لذت‌طلبی، تقویت گرایش به فرزند و داشتن آن است که انسان حاضر است برای به‌دست آوردن آن سختی‌ها و هزینه‌های آن را تحمل کند و حتی در مواقعی که خطر هم دارد مانند فرعون و همسرش که خطر نابودی قدرت و تمام دنیای خود را حس می‌کردند، این خطر را به جان بخرند و فدای فرزند کنند.

نتیجه‌گیری

طبق آیات قرآن خداوند با تدبیر حکیمانه خود در خلقت انسان گرایش‌هایی را به‌عنوان زمینه برای ترغیب به ازدواج و فرزندآوری قرار داده است که قوی‌تر از هر عامل دیگری نسبت به فرزندآوری هستند. این انگیزه‌ها آن قدر قوی هستند که می‌توانند انسان را در برابر سختی‌های فرزنددار شدن مانند مشکلات اقتصادی و تربیتی، قانع کنند و او را به فرزندآوری مشتاق سازند. در نتیجه انسان با آگاهی از انگیزه‌های فطری خود که موجب ایجاد و تقویت میل به فرزند می‌شوند، دیدگاه خود را نسبت به این مسئله اصلاح می‌کند و برای تحقق انگیزه‌های برتری که موجب سعادتش

می‌شود، مشکلات و سختی‌های آن را تحمل می‌کند. از بررسی آیات قرآن در مورد نقش انگیزه‌های اصلی انسان در گرایش به فرزندآوری، نتایج ذیل به‌دست آمد:

۱. گرایش انسان به بقا، نقش انگیزشی برای گرایش به فرزندآوری دارد؛ یعنی عامل انگیزش برای میل انسان به فرزندآوری و داشتن فرزند است، و او را به سمت فرزندآوری سوق می‌دهد، و اراده او را در این راه محکم می‌کند، و او را برمی‌انگیزاند که با توجه به تمام سختی‌های آن به سمتش حرکت کرده و به آن اقدام کند.
۲. انگیزه و گرایش انسان به کمال دو نقش در فرزندآوری دارد:

(الف) یکی از نقش‌های انگیزه میل به کمال انسان، نقش تقویتی آن است؛ یعنی این گرایش حب به بقا موجب تشدید و تقویت انگیزه فطری فرزندآوری انسان می‌شود؛

- (ب) انگیزه میل به کمال نقش مدیریتی در فرزندآوری و گرایش انسان به داشتن فرزند دارد و انسان را به‌سوی فرزندآوری و تربیت الهی او سوق می‌دهد تا از طریق فرزندان و ذریه خود به اجر و کمال بیشتر برسد.
۳. انگیزه میل به لذت یا لذت‌طلبی فطری انسان دو نقش در گرایش انسان به فرزندآوری دارد:

(الف) نقش زمینه‌ای: قرآن حب به لذت را که خداوند فطرتاً در وجود انسان قرار داده را زمینه‌ای برای فرزندآوری می‌داند، و این یکی از نقش‌های انگیزه لذت‌طلبی انسان است که خود منشأ گرایش‌ها و افعال انسان که یکی از آنها گرایش به فرزند است، می‌باشد؛

(ب) نقش تقویتی: انگیزه لذت‌طلبی انسان موجب تقویت گرایش او به فرزندآوری می‌شود و هرچه فرزندش دارای کمالات بیشتری باشد، لذت بردن از او به همان مقدار بیشتر می‌شود؛ بنابراین انسان از فرزندگی که دارای کمالات بیشتر و پایدارتر است، لذت بیشتری می‌برد و در راه داشتن چنین فرزندگی حاضر است بسیاری از سختی‌ها را تحمل و چشم به روی لذت‌های آنی ببندد.

در نتیجه با توجه به نتایج به‌دست‌آمده تحقیق حاضر، یکی از راه‌های برانگیختن و تقویت افراد جامعه به فرزندآوری، فعال کردن و زنده نگه داشتن فطرت و گرایشات فطری انسانی است. در واقع توجه به فطرت و بیدار کردن فطرت انسانی در افراد جامعه، سبب برانگیختن و تقویت گرایش انسان نسبت به فرزندآوری می‌باشد. حال که این میل‌ها در انسان وجود دارد باید برانگیخته شوند و این کار می‌تواند از طریق رسانه و نظام آموزشی و تحقیقات علمی در این زمینه تحقق یابد. به این مطلب نیز باید توجه کرد که علی‌رغم وجود میل فطری به فرزندآوری و بسترسازی میل‌های دیگر برای آن، چرا افراد جامعه به دنبال فرزندآوری نرفته و دچار انحراف از مسیر فطری خود شده‌اند؟ این امر نیازمند پژوهش جدی در این زمینه است که باید آسیب‌شناسی و دنبال شود.

منابع

- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق). روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- ابن عاشور، محمدطاهر (۱۴۲۰ق). تفسیر التحریر و التنویر. بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.
- ابن فارس، احمد بن زکریا (۱۴۰۴ق). معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- امینی خواه، محمدحسین (۱۳۹۵). طراحی الگوی انگیزشی با تأکید بر اندیشه آیت الله مصباح. پایان نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- جمعی از نویسندگان (۱۴۰۱). درس نامه مفاهیم و ابعاد جمعیت. زیر نظر علی ابوترابی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۳۷۶ق). الصحاح. تحقیق احمد عبدالغفور عطار. بیروت: دار العلم للملایین.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ القرآن. بیروت: دار القلم.
- رجبی، محمود (۱۳۸۰). انسان شناسی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ریو، جان مارشال (۱۳۷۹). انگیزش و هیجان. ترجمه یحیی سیدمحمدی. تهران: ساوالان.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). مجمع البیان فی تفسیر القرآن مصحح: هاشم رسولی. تهران: ناصر خسرو.
- عباسی، مهدی (۱۳۹۰). سبک لذت جویی بر اساس منابع اسلامی و رابطه آن با سلامت عمومی. پایان نامه کارشناسی ارشد. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- علوی، سیداسماعیل (۱۴۰۳). تغییر نگرش به فرزندآوری: رویکرد اسلامی و روان شناختی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- عمید، حسن (۱۳۶۰). فرهنگ عمید. تهران: امیر کبیر.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب). بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین. قم: هجرت.
- فیروزیان، شبیر (۱۳۹۸). مقدمه ای بر روان شناسی از دیدگاه قرآن بر اساس آثار آیت الله مصباح یزدی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- فیض کاشانی، ملامحسن (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی. تهران: مکتبه الصدر.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی (ط - الإسلامیه). مصحح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
- گنجی، حمزه (۱۳۹۲). روان شناسی عمومی. تهران: ساوالان.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. بیروت. دار احیاء التراث العربی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۱). به سوی خودسازی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۴). اخلاق در قرآن ۲. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲). انسان شناسی. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مصطفوی، حسن (۱۴۳۰ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم. بیروت - قاهره - لندن: دار الکتب العلمیه.
- معین، محمد (۱۳۷۱). فرهنگ معین. تهران: امیر کبیر.